

مجموعه سخنرانی های هفتگی

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی

تحولات پنج نسل در دانشگاه به مثابه فضای اجتماعی

دکتر مقصود فراستخواه

دانشیار موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی

۲۹ فروردین ماه ۱۳۹۶

شماره اول

تهیه و تنظیم: پدیده پری دری

دانشگاه به مثابه فضای اجتماعی بدان معناست که علم و دانشگاه، در فضای اجتماعی و فرهنگی قرار دارد، چراکه انسانها فضامند هستند، به میانجیگری فضا زندگی می کنند و می اندیشند. شاکله آگاهی و فرهنگ ما بواسطه فضا و در فضا شکل می گیرد. فضای دانشگاه امری ادراکی، ارتباطی، فرهنگی، تکنولوژیک، اجتماعی، شناختی، هنجاری و عاطفی است. برآمده از نحوه زیست و مناسبات و اعمال و خاطرات و تجربیات دانشجو و دانشگاه و مدیر و سیاست گذار و خدمت گیرندگان و برنامه ریزان و ذی نفعان درونی و بیرونی دانشگاه است. فضا، خود از تجربه ها می روید و مجدداً او این امکان را فراهم می آورد که به تجربه های خویش معنا دهیم.

لفر^۱، جامعه شناس فرانسوی (۱۹۹۱-۱۹۰۱) سنت توضیح امور از طریق فضا را بسط داد و درباره فضا‌مندی حیات اجتماعی آرای خود را عرضه و سه لایه از فضا را از هم تمیز داد:

نوع فضا	سطح تعاملات و روابط
فضای شماره ۱	تماس ها و حس های معمولی
فضای شماره ۲	معنایی فنی و تخصصی مثل برنامه ریزی، دانشگاهی..
فضای شماره ۳	غیر رسمی، بسیط از تجربه های زیسته انسانها، برگرفته از پرکتیس ها و اعمال زندگی روزمره، و فضای ایماژها و احساس ها، انگیزش ها، معانی، تخیلات، تداعی ها و آگاهی های پنهان ماست. منبسط و سیال است، خاصیتی اثیری دارد.

^۱ Lefebvre

دیوید هاروی^۲ (۱۹۳۵) استاد مردم شناسی و جغرافیا در دانشگاه نیویورک، بررسی های انتقادی فضا را بسط داد. در مطالعات او دو سوپیه از فضا از هم متمایز شده است:

نوع فضا	ویژگی ها
فضاهای سیطره ^۳	وجه سیستمی و ساختاری و رسمی فضا
فضاهای اقتضایی ^۴	وجه غیر ساختاری و غیر رسمی فضا

در این جستار فضاهای شماره ۳ و اقتضایی مورد نظر محقق است که سرشتی ضمنی در متن زندگی دارد، حسب مقتضیات، نیازها و پویایی های دانشگاهیان از طریق اعمال و ارتباطات آنها جریان پیدا می کند. دانشگاه سرشتی فضاگون دارد، دانشگاه نیز یک فضای ارتباطی در نوع خود است. بی جهت نیست که به آن یونیورسیتی گفتند. یونیورس به معنای عالم و سپهری است که مجموعه ای از نمادها و نشانه ها، پردیس و نوع خاصی از هنجارها و ارتباطات و فرهنگ زندگی دانشگاهی به او کلیت می بخشد. در دانشگاه های ما این فضاها تضعیف شده است. فضا های رسمی طبقه بندی شده و انضباطی، نمی توانند به طور کارآمد اعمال مدیریت و ایجاد نظم پایدار و مؤثر بکنند. دانشگاه های موفق، از این فضا سرشارند.

² David Harvey

³ Dominated space

⁴ Appropriated space

از مهمترین آسیب ها در نتیجه تضعیف فضاهاى اقتضایى در جامعه ایرانى مى توان به خدشه دار شدن حیات نسلى، گفت و شنودهاى نسلى و تعاملات نسلى اشاره کرد:

⊗ مناسبات طولى میان نسل ها (رابطه بین نسل هاى مختلف هیأت علمى با هم)

⊗ مناسبات عرضى میان نسل ها (رابطه نسل هاى دانشجویى با نسل هاى هیأت علمى)

تحولات نسلى ایران و جهان

نسل به معنای گروه بندى زمانى اجتماعى اعم از قشرها و طبقات اجتماعى است. نسل منحصر با ملاکهاى بیولوژیکى، سنى و تقویمى قابل تمایز نیست. آنچه نسل ها را از هم تفکیک مى کند، فقط سن و زیستن در یک دوره خاص ده ساله، بیست ساله نیست، بلکه تغییرات اجتماعى، وقایع و رویدادها و خاطرات و تجربه هاى مشترک نیز در صورت بندى نسلى لحاظ مى شود.

نسل بیش از اینکه یک امر عینى باشد، سوبجکتیو و برساخته اجتماعى نیز است. تغییر رژیم هاى سیاسى و نظام هاى قدرت، انقلابها، جنگها، تحولات دورانى اجتماعى و اقتصادى و فرهنگى و تکنولوژیک، نسل هاى مختلف را شکل مى دهد و برای هر نسل، شاکله ذهنى، فضای اجتماعى، زبان، گرامر و سبک زندگى و قواعد کم و بیش رایجى فراهم مى آورد.

تقسیم بندى هاى مختلفى از نسل ها صورت گرفته است. یکى از آنها صورت بندى پنجگانه اى از نسل هاست که در ابتدا بیشتر با کانون توجه به جامعه آمریکا و سپس با نظر به دیگر جوامع جهان تدارک دیده شده است:

نام نسل	مشخصات و ویژگی ها	تطبیق با ایران
خاموش (کهنه سربازان)	۱۹۲۵-۱۹۴۵ در دوران بحران اقتصادی آمریکا به عرصه آمدند. اهمیت به نظم و سلسله مراتب، مسئولیت پذیر، صرفه جو و اهمیت به نظام ارزشی، نتیجه گرا، توجه به خانواده، نظم و وقت شناسی، وفادار و محافظه کار	پس از مشروطه، پیش از ۱۳۲۰ در دروه پهلوی اول به عرصه آمده اند. ناامنی و جنگ جهانی اول را تجربه کرده اند و نظرشان معطوف به امنیت (هرچند با اقتدار دولت) معطوف شده است. تلخی کمبودها راجشیده اند به همراه شگفت انگیزی جنبش نوسازی (مطبوعات و مدارس عالی و دانشگاه و...) روی هم رفته به نظم و حفظ مراتب اهمیت می دهند.
بومر (نسل زاد و ولد)	۱۹۴۶-۱۹۶۴ بعد از جنگ جهانی دوم، دوره رونق ورفاه با نرخ باروری و انفجار جمعیتی بالا. مخاطره جو، دارای انگاره مثبت، توجه به جزییات، میل به برابری، سوء ظن به دولت، رقابتگرایی، ارزش به اشتراک گذاشتن خود و تعهد به سازمان	۱۳۲۰-۱۳۴۰ دوره ناسیونالیسم ایرانی تجربه شیرین آزادی های بعد از شهریور ۲۰، اهمیت به رقابت ها و هویت های ایدئولوژیک، نهضت ملی و کودتای عبرت آموز ۲۸ مرداد، تفکیک شهر و روستا، رقابتگرایی با خود-انگاره مثبت

۱۳۴۱-۱۳۵۹ اصلاحات ارضی، مهاجرت از روستاها به شهرها، حاشیه نشینی را پایه پای رشد اقتصادنفتی نابرابر وناموزون را دیده اند. رشد وبلوغ شان قرین آموزش های عرفی جدید، درآمدهای نفتی دولت شده است و در همان حال نیز درگیر خودکامگی، فساد، دیگری شدن دولت، نارضایتی های سیاسی نخبگان، سرکوب وسواوک بودند.	۱۹۶۵-۱۹۸۰ دوره تحولات در ادامه رونق و رفاه ، دوره تحولات جهانی فراگیر، که میل به تغییر، تحرک، آرمان خواهی، اتوپیا و ایدئولوژی، هوش هیجانی، روابط غیر رسمی، خروج راحت از سازمان وروابط رسمی موجود در آن بیشتر مشهود شده است.	نسل X
۱۳۶۰-۱۳۷۹ (انقلاب اسلامی) ورق برگشتن از اقتصاد کوپنی و دفاع مقدس به آتش بس، اقتصاد پسا کوپنی و عمل گرایی ، و در آخر با اینترنت و ارتباطات، اوقات فراغت، رونق جدید مدنی و اصلاحات دولتی قرین شده اند. بیشتر دانشجویان، به این نسل تعلق دارند.	۱۹۸۱-۲۰۰۰ ظهور کامپیوتر های پی سی، اینترنت، تلویزیونهای ماهواره ای، دهکده جهانی، و سپس فناوری اطلاعات وارتباطات. توجه به کودکان ونوجوانان، کم حوصلگی، اهمیت سبک زندگی، سرگرمی، فان ولحظه حال، اوقات فراغت، گروه های دوستی، تجربه شخصی، نیازهای فرامادی، مهارت گرایی، بی تکلفی و بی تعارفی.	نسل Y (هزاره)

متولدین ۱۳۸۰ به بعد	متولدین قرن ۲۱	نسل Z (نت)
کانون توجه نسل، بیشتر هم آغوشی با عدم اطمینان در شبکه های اجتماعی مجازی است. پوپولیسم و توده گرایی در برابر نخبه گرایی، ریز گردها و اهمیت یافتن آب و خاک وهوا و گیاه، ناسازه هایی همساز شده از «بومی -جهانی» ، سنت مدرن و پست مدرن ، جنبش سبک زندگی و سیاست زندگی(بگذار زندگی کنم) ونهایتا دولت اعتدال و پساتحریم گرایی.	پا به دنیایی گذاشته اند که دست به گریبان ابعاد جهانی خشونت و یازده سپتامبر تا پدیده هایی از نوع داعش، مسائل محیط زیست وتوسعه پایدار، وب دو و سه، فناوری های همراه، ام پی تری پلیر، بازی های چند بعدی رایانه ای، میکرو بلاگ و موبلاگ ها، فیس بوک، توییتر، یوتیوب، تلگرام، اینستاگرام وشبکه های اجتماعی مجازی است.	

بررسی نسل ها در فضای دانشگاه

نسل مشروطه و «دانشگاه نسل یک» پاریس

دوره دانشجویی اش اوایل جذابیت های نوسازی بود که به دلیل ماهیت دولتی اش گاهی به ذوق می زد، الگوهای اروپایی وفرانسوی دانشگاه تازه شکل گرفته اند، تجربه آغازین تحصیل در دانشگاه است، دیسپلین گرایی، دانشگاه مدرسه وار، کمبود امکانات و بر اثر آن اعتصابات از ۱۳۱۴ شکل می گیرد ولی

حتی پشت اعتصاب این نسل نیز نظمی هست. دانشگاه غالبا در دسترس پسران طبقات بالاست. آنهایی از اینان که در دوره سوم عمر شغل دانشگاهی پیدا می کنند تجربه های آغازین تحصیل در خارج و کسوت هیأت علمی را تجربه می کنند، هنجارهای مرتونی، سنت اقامت در پردیس، سنت های دیسیپلینی آموزش نوین دانشگاهی، نخبه گرایی، دانشگاه نسل یک پاریس در این نسل مشاهده می شود (فراستخواه، ۱۳۹۳).

نسل ناسیوانالیسم ایرانی و «دانشگاه نسل یک» کلمبیا، برکلی و استنفورد

دوره دانشجویی او با جنبش چپ و ملی، جنبش دانشجویی (صنفی و سیاسی) و مرکزیت طبقه متوسط قرین شد. حیات هیأت علمی این نسل نیز ماه عسل نخستین تجربه های استقلال آکادمیک بود. همزمان شاهد رشد هنجارهای رقیب سیاسی در کنار هنجارهای غالب علمی به یادگار مانده از نسل قبل هستیم. دانشگاه همچنان دانشگاه نسل یک اما در حال شیفت از الگوی پاریسی به الگوی کلمبیا و برکلی و استنفورد است و شکاف استادان قدیم و نسل جدید دانشجویی، آهسته آهسته سر باز می کنند.

نسل نوسازی و رشد نابرابر و ناموزون

(پایان دوره گذار مدل فرانسوی به انگلوساکسونی)

وقتی دانشجو شد نظام آموزشی از الگوی فرانسوی به الگوی انگلوساکسونی واحدی و دروس اختیاری آموزش عالی در حال رایگان شدن، جنبش دانشجویی در حال گسترش و سازمان های چریکی در برابر یک دیگری به نام دولت، محل توجه بود. رونق فعالیت صنفی، رشد طبقه متوسط دانشجویی، افزایش حضور دختران در دانشگاه، ورود ماشین های محاسب مین فریم، همسایگی سیاست ورزی و علم آموزی از دیگر پدیده های دانشگاهی در دوران دانشجویی این نسل است. تجربه زندگی دانشگاهی به عنوان هیأت علمی نیز در این نسل با به عرصه رسیدن و بازگشت نسل جدید هیأت علمی حامل تجربه دانشگاهی آمریکایی قرین است. نسل سوم شاهد کمال نسل اول دانشگاه آموزشی در ایران است، استقلال آکادمیک

«به شرط سیاست» کم و بیش برقرار است، استادان خارجی و زنان هیأت علمی را می بینیم و البته ناآرامی نسل آرمانخواه و تحول خواهی او نیز همچنان سر جای خود. برای همین نیز شاهد رشد سیاست وایدئولوژی در کنار علم آموزی و سپس غلبه آنها، آن گاه انقلاب و تصفیه ها و مهاجرت ها و سرانجام تعطیلی دانشگاه، سرنوشت پایانی این نسل است.

نسل انقلاب اسلامی؛

دانشگاه آموزشی نسل اول فاقد کیفیت شده است.

دوره دانشجویی عبارت است از پریدن بر بالای دیوار کنکور، همزیستی با سهمیه ها، حشر و نشر با برنامه های درسی عرضه گرا و پروا، اختلاط دانشجویان از طبقات در حال فروکش متوسط تا طبقات نوکیسه بالا و طبقات انبوهی از پایینی ها و غیر شهری ها. این نسل از دوتایی سیاست زدگی - سیاست زدایی سوده و فرسوده شده است. آموزش عالی رایگان، رشد دسترسی کمی، گزینش دانشجو، پدیده های پیام نور و آزاد و...، انجمن های اسلامی و بسیج دانشجویی را دیده است. در زندگی شغلی هیأت علمی این نسل نیز انواع چیزهای رنگ به رنگ و حتی متضاد هست: دانشگاه توده گرا، آغاز رشد کمی تحصیلات تکمیلی، افت کیفیت، گزینش استاد، مهاجرت مغزها، نظام متمرکز آموزش عالی، کمبود استاد. همه جا صحبت ها و تابلوها و برنامه ها دعوی «دانشگاه وصنعت» و «علم سبک دو» است اما اینها اصلا ساختارمند و کارآمد نشده اند.

نسل پسا انقلاب و چرخش از نسل دوم دانشگاه پژوهشی به دانشگاه نسل سوم کار آفرینی

این نسل را در سنین اول رشدشان می بینیم؛ بچه های دیجیتالی که هم آغوش «عدم اطمینان» در شبکه های اجتماعی مجازی اند، و دانشگاهی که درگیر دوتایی های عجیبی است؛

⊗ روند پولی شدن در عین تقبیح دنیا و تقدیس علم،

⊗ رشد کمی تحصیلات تکمیلی ضمن تقبیح مدرک گرایی

⊗ رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات با وجود محدودیت های زیرساختی نرم و سخت

⊗ دوتایی زنانه شدن دانشگاه با سیاست های جنسیتی

⊗ تکرر در گروه ها و کانونهای دانشجویی که معطوف به ایجاد فضاهای اقتضایی خودش هست بدون

اینکه فضاهای رسمی با او همراهی جدی کند.

سخن از کالایی شدن و تجاری شدن دانش است؛ گفتمان رسمی از چرخش از دانشگاه پژوهشی

هومبولتی به «دانشگاه نسل سوم کمبریجی و کارافرینی» استقبال می کند؛ دانشگاه، رسانه ای می شود،

فناوری و تولید ثروت اهمیت پیدا می کند. کار محدودیت منابع عمومی به بنگاه داری دانشگاهی کشیده

است. میان رشته گرایی، علم پسانرمال، استادان مجری پروژه های بیرونی، برهم خوردن سنت اقامت،

بازنشسته کردن استادان، آیین نامه ارتقاء و «مقاله گرایی صوری» از طریق پایان نامه ها، ضد هنجارهای

علمی و کژکارکردی های آن از پدیده های معمول و گزنده این نسل است.

نسل های هیئت علمی

نسل ها	تولد	درصد
اول	تا ۱۳۱۹	۰,۸۷
دوم	۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰	۲۴,۴۰
سوم	۱۳۴۱ تا ۱۳۵۹	۶۱,۰۷
چهارم	۱۳۶۰ تا ۱۳۷۹	۱۳,۶۶

مهم ترین پدیده جامعه امروز ما ترکیبات و تقاطعاتِ میان نسلی است.

در نسل های دانشجویان نیز همین ترکیب ها و تقاطعات دیده می شود.

نسلی ها	کاردانی	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتری حرفه ای	دکتری تخصصی
اول	۰,۲۲	۰,۱۹	۰,۸۵	۰,۰۲	۰,۵۶
دوم	۱۶,۰۲	۱۱,۱۷	۲۱,۵۳	۳,۴۶	۲۸,۰۷
سوم	۲۶,۸۵	۲۵,۵۹	۶۰,۷۷	۲۰,۴۵	۷۰,۳۴
چهارم	۳۷,۲۴	۵۴,۴۷	۱۶,۷۷	۶۲,۰۹	۱,۰۰
پنجم	۱۹,۶۷	۸,۵۷	۰,۰۸	۱۳,۹۹	۰,۰۵

صفات نسلی بسیار متفاوت سبب می شود که مناسبات نسلی دشوار شود و گاهی به فاصله و یا شکاف حتی تعارض نسلی بینجامد. تنها توسعه شایستگی های کانونی در دانشجویان و ارتقای ظرفیت های ارتباطی و بسط کنش ارتباطی در هیئت علمی است که می تواند این مشکل را تبدیل به فرصتی برای تنوعات خلاق نسلی و توسعه ترکیب های سازنده و بدیعی در گفتگو و تعاملات میان نسلی بکند، و برهم کنشی ها، همزیستی ها و هم افزایی ها را بیفزاید.